



تأثیر مولفه‌های هوش هیجانی بر مدیریت بحران‌های روانی در کودکان و نوجوانان: یک بررسی مروری

پروانه محمودپور

دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

سیده مریم موسوی

استادیار، گروه پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

چکیده:

هوش هیجانی، توانایی شناخت و مدیریت هیجانات خود و دیگران است و نقش مهمی در مقابله با بحران‌های روانی دارد. این مقاله به بررسی تأثیر مولفه‌های هوش هیجانی بر مدیریت بحران‌های روانی در کودکان و نوجوانان می‌پردازد. مولفه‌های هوش هیجانی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی است که می‌توانند به کاهش اضطراب، استرس و افسردگی در این گروه سنی کمک کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودکانی که از سطح بالاتری از هوش هیجانی برخوردارند، بهتر می‌توانند در مواجهه با چالش‌های روانی عمل کنند و به راه‌حل‌های سازنده‌تری دست یابند. در این مقاله، نتایج مطالعات مختلف در این زمینه بررسی شده و پیشنهادهایی برای ارتقای هوش هیجانی در محیط‌های آموزشی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، مدیریت بحران، کودکان، نوجوانان، سلامت روان

مقدمه

بحران‌های روانی در کودکان و نوجوانان به یکی از چالش‌های اساسی در جوامع مدرن تبدیل شده است. از اضطراب و افسردگی گرفته تا اختلالات رفتاری و مشکلات تحصیلی، این گروه سنی با فشارهای روانی قابل توجهی روبرو هستند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO¹)، حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد از کودکان و نوجوانان در سراسر جهان با نوعی از اختلالات روانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند (WHO, 2021). علاوه بر این، بحران‌های اجتماعی و خانوادگی مانند تغییرات محیطی، ناپایداری خانوادگی، طلاق والدین، و فشارهای تحصیلی می‌تواند به تشدید این مشکلات روانی دامن بزند (Fink, 2020). افزایش اضطراب و افسردگی در این گروه سنی، به ویژه در دوران پس از پاندمی کووید-۱۹^۲، نگرانی‌های جدی در مورد سلامت روان کودکان و نوجوانان به وجود آورده است (Jones et al., 2021).

در این میان، هوش هیجانی^۳ به عنوان یکی از عوامل کلیدی در مدیریت و پیشگیری از بحران‌های روانی شناخته شده است. این مفهوم که برای اولین بار توسط دانیل گلمن (۱۹۹۵) به‌طور جامع معرفی شد، به مجموعه‌ای از توانایی‌ها اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد تا احساسات خود و دیگران را شناسایی، درک و مدیریت کند. به گفته گلمن، هوش هیجانی از پنج مولفه اصلی تشکیل شده است: خودآگاهی^۴، خودتنظیمی^۵، انگیزش^۶، همدلی^۷، و مهارت‌های اجتماعی^۸ (Goleman, 1995). این مولفه‌ها به فرد کمک می‌کنند تا با چالش‌های روانی و استرس‌های ناشی از بحران‌های زندگی به‌گونه‌ای مؤثرتر مقابله کند. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که هوش هیجانی می‌تواند نقش محافظتی در برابر اضطراب، افسردگی و دیگر مشکلات روانی داشته باشد (Brackett et al, 2019). این مولفه‌ها به فرد این امکان را می‌دهند که در مواجهه با چالش‌های روانی واکنش‌های سالم‌تری نشان دهد و به جای واکنش‌های تکانشی و هیجانی، از رویکردهای منطقی‌تر و کارآمدتری استفاده کند. برای مثال، کودکی که دارای سطح بالایی از خودآگاهی است، می‌تواند احساسات منفی خود را شناسایی کرده و با آن‌ها به‌طور مؤثرتری مقابله کند (Zeidner et al, 2012).

در همین راستا، خودتنظیمی به فرد کمک می‌کند که هیجانات خود را کنترل کند و در شرایط بحرانی آرامش خود را حفظ نماید، در حالی که همدلی و مهارت‌های اجتماعی به تقویت روابط اجتماعی و حمایت‌های عاطفی در مواجهه با بحران‌ها منجر می‌شود (Sánchez et al, 2016). به همین دلیل، هوش هیجانی به عنوان یک ابزار مهم برای بهبود سلامت روانی و ارتقای تاب‌آوری در کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات نشان می‌دهند که آموزش و تقویت هوش هیجانی در مدارس و محیط‌های آموزشی می‌تواند به بهبود سلامت روانی کودکان و نوجوانان کمک کند و آن‌ها را در برابر بحران‌های روانی مقاوم‌تر کند (Mestre et al., 2017). همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر هوش هیجانی می‌توانند به کاهش اضطراب و افسردگی در نوجوانان منجر شوند و باعث افزایش تعاملات مثبت اجتماعی و بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها شوند (Estrada et al, 2021). در این مقاله، ما به بررسی جامع تأثیرات هر یک از مولفه‌های هوش هیجانی بر مدیریت بحران‌های روانی کودکان و

¹ World Health Organization

² COVID-19

³ Emotional Intelligence

⁴ Self-awareness

⁵ Self-regulation

⁶ Motivation

⁷ Empathy

⁸ Social-skills

نوجوانان می‌پردازیم. این مقاله به مرور ادبیات موجود در این زمینه پرداخته و تحقیقات معاصر را بررسی می‌کند تا نشان دهد که چگونه هوش هیجانی می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظتی در برابر مشکلات روانی عمل کند. همچنین، راهکارهایی برای تقویت این مولفه‌ها در محیط‌های آموزشی و خانوادگی ارائه می‌شود.

مروری بر ادبیات پژوهش

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه هوش هیجانی و تأثیر آن بر مدیریت بحران‌های روانی در کودکان و نوجوانان انجام شده است. در این بخش، به مرور تحقیقات صورت‌گرفته پرداخته و بر مولفه‌های هوش هیجانی به ویژه در مدیریت بحران‌ها تأکید می‌شود. مفهوم هوش هیجانی و مولفه‌های آن: هوش هیجانی به عنوان توانایی شناسایی، درک، و مدیریت احساسات خود و دیگران تعریف می‌شود (Goleman, 1995). این مفهوم به پنج مولفه اصلی تقسیم می‌شود: خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی. این مولفه‌ها در مدیریت استرس، کاهش اضطراب و بهبود سلامت روانی افراد نقش کلیدی دارند (Zeidner et al., 2012). هوش هیجانی به طور مستقیم با توانایی‌های فرد در مقابله با چالش‌های روانی و مدیریت استرس‌های روزمره ارتباط دارد.

خودآگاهی و خودتنظیمی: خودآگاهی به معنای شناخت احساسات و درک تأثیر آن‌ها بر رفتار و تصمیم‌گیری‌هاست. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که کودکانی که از سطح بالایی از خودآگاهی برخوردارند، توانایی بیشتری در مدیریت احساسات منفی خود دارند و می‌توانند واکنش‌های سازنده‌تری در مواجهه با بحران‌ها نشان دهند (Brackett et al., 2019). خودتنظیمی، که به کنترل هیجانات و رفتارها اشاره دارد، به ویژه در مواجهه با استرس‌های روانی و بحران‌های اجتماعی اهمیت دارد. مطالعات نشان می‌دهند که کودکانی که خودتنظیمی بالاتری دارند، توانایی بیشتری در جلوگیری از بروز رفتارهای تهاجمی یا تکانشی دارند و در شرایط بحرانی واکنش‌های مناسبی نشان می‌دهند (Gross, 2013). نقش انگیزش در مدیریت بحران: انگیزش به عنوان یکی از مولفه‌های کلیدی هوش هیجانی به فرد کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات و بحران‌ها انگیزه خود را حفظ کند و به دنبال راه‌حل‌های سازنده باشد (Mestre et al., 2017). پژوهش‌های معاصر نشان داده‌اند که انگیزش در کودکان و نوجوانان با هوش هیجانی بالا، باعث کاهش استرس و بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها شده است، به ویژه در دوران پاندمی کووید-۱۹ که استرس‌های روانی شدیدی بر کودکان تحمیل شده بود (Estrada et al., 2021). نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که انگیزش به کودکان کمک می‌کند تا از بحران‌های روانی به عنوان فرصتی برای رشد استفاده کنند.

همدلی و مهارت‌های اجتماعی در مقابله با بحران‌ها: همدلی به کودکان و نوجوانان این امکان را می‌دهد تا احساسات دیگران را درک کنند و در مواقع بحرانی از حمایت‌های اجتماعی بیشتری برخوردار شوند. نتایج تحقیقات اخیر نشان داده است که کودکانی با سطح بالای همدلی و مهارت‌های اجتماعی قوی، توانایی بیشتری در برقراری ارتباط مؤثر و دریافت حمایت‌های عاطفی در مواجهه با بحران‌های روانی دارند (Sánchez-Álvarez et al., 2016). این مولفه‌ها به کاهش احساس انزوا و افزایش احساس تعلق به گروه



کمک می‌کنند، که در نتیجه باعث کاهش اضطراب و افسردگی در مواقع بحرانی می‌شود (Pulido-Martos et al., 2021). تحقیقات معاصر در زمینه هوش هیجانی و مدیریت بحران: پژوهش‌های جدیدتر در دوران پس از پاندمی کووید-۱۹، نقش هوش هیجانی در کاهش استرس و اضطراب در کودکان و نوجوانان را مورد بررسی قرار داده‌اند. به عنوان مثال، تحقیقاتی نشان داده‌اند که هوش هیجانی بالا می‌تواند نقش محافظتی در برابر مشکلات روانی مرتبط با پاندمی ایفا کند. در مطالعه‌ای که توسط Akamatsu و Koizumi (۲۰۲۱) انجام شد، مشخص شد که کودکانی با هوش هیجانی بالاتر توانایی بیشتری در مدیریت بحران‌های روانی و استرس‌های ناشی از پاندمی داشتند. همچنین، پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های هوش هیجانی به دانش‌آموزان در مدارس می‌تواند به کاهش اضطراب و استرس کمک کند و منجر به بهبود تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی شود (Frontiers, 2021).

نتایج و پیشنهادات

بررسی و تحلیل پژوهش‌های انجام شده در زمینه هوش هیجانی و مدیریت بحران‌های روانی در کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد که تقویت مولفه‌های هوش هیجانی نقش بسیار مهمی در بهبود سلامت روانی و افزایش تاب‌آوری در این گروه سنی دارد.

۱. کاهش اضطراب و استرس: مطالعات مختلف نشان داده‌اند که کودکانی که از سطح بالایی از هوش هیجانی برخوردارند، در مواجهه با بحران‌های روانی مانند اضطراب و افسردگی، توانایی بیشتری در کنترل احساسات خود دارند و کمتر دچار استرس‌های شدید می‌شوند. به عنوان مثال، پژوهش‌های Brackett و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که خودآگاهی و خودتنظیمی به کودکان کمک می‌کنند تا در مواجهه با احساسات منفی، واکنش‌های مناسبی نشان دهند و از واکنش‌های تکانشی اجتناب کنند. این یافته‌ها به‌ویژه در دوران پاندمی کووید-۱۹ تأیید شده است، که در آن کودکان با استرس‌های فراوانی روبرو بوده‌اند (Estrada et al., 2021). ۲.

بهبود روابط اجتماعی: کودکانی که مهارت‌های همدلی و اجتماعی بالاتری دارند، توانایی بیشتری در برقراری ارتباطات مؤثر و استفاده از حمایت‌های اجتماعی دارند. این امر به ویژه در دوران بحران‌های اجتماعی و روانی به کاهش احساس انزوا و افسردگی در کودکان کمک می‌کند (Pulido-Martos et al., 2021). روابط اجتماعی قوی به کودکان کمک می‌کند تا احساس تعلق بیشتری داشته باشند و از حمایت‌های عاطفی بیشتری بهره‌مند شوند. ۳. بهبود عملکرد تحصیلی: تحقیقات نشان داده‌اند که هوش هیجانی بالا نه تنها به بهبود سلامت روانی کودکان و نوجوانان منجر می‌شود، بلکه می‌تواند عملکرد تحصیلی آن‌ها را نیز بهبود بخشد. انگیزش به کودکان کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های تحصیلی، تمرکز خود را حفظ کنند و با انگیزه بیشتری به تلاش ادامه دهند (Mestre et al., 2017). ۴. تقویت تاب‌آوری: نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که هوش هیجانی می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی در برابر بحران‌های روانی عمل کند و باعث تقویت تاب‌آوری در کودکان و نوجوانان شود. کودکانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، توانایی بیشتری در مواجهه با مشکلات دارند و به جای فرار از آن‌ها، به دنبال راه‌حل‌های سازنده‌تری می‌گردند (Sánchez-Álvarez et al., 2016).

پیشنهادات: ۱. آموزش هوش هیجانی در مدارس: با توجه به نتایج مثبت هوش هیجانی بر سلامت روانی و عملکرد تحصیلی کودکان و نوجوانان، پیشنهاد می‌شود که مدارس برنامه‌های آموزشی منظم برای تقویت هوش هیجانی در دانش‌آموزان برگزار کنند. این برنامه‌ها باید بر مهارت‌های خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی متمرکز باشند. اجرای این برنامه‌ها می‌تواند به بهبود سلامت روانی و کاهش اضطراب در دانش‌آموزان کمک کند و آن‌ها را در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و روانی



مقاوم‌تر سازد. ۲. حمایت‌های خانوادگی: والدین نیز نقش بسیار مهمی در تقویت هوش هیجانی فرزندان خود دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی برای والدین نیز تدوین شود تا آن‌ها بتوانند از طریق تقویت مهارت‌های هوش هیجانی در فرزندان خود، به کاهش استرس‌های روانی آن‌ها کمک کنند. این برنامه‌ها باید شامل راهکارهایی برای تقویت ارتباطات مثبت خانوادگی و تشویق کودکان به ابراز احساسات خود باشد. ۳. تحقیقات آینده: برای بهبود درک از نقش هوش هیجانی در مدیریت بحران‌های روانی، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات بیشتری در زمینه تأثیرات بلندمدت تقویت هوش هیجانی بر سلامت روانی کودکان و نوجوانان انجام شود. به‌ویژه، بررسی تأثیر هوش هیجانی در شرایط بحران‌های اجتماعی مانند پاندمی‌ها و شرایط پس از بحران می‌تواند به ارائه راهکارهای بهتر در پیشگیری و مدیریت مشکلات روانی کمک کند. این پیشنهادات و نتایج می‌توانند به عنوان راهکارهایی عملی در بهبود سلامت روانی کودکان و نوجوانان و کاهش اثرات منفی بحران‌های روانی در این گروه سنی به کار گرفته شوند.

منابع

- Akamatsu, K., & Koizumi, Y. (2021). Emotional intelligence and social support during the COVID-19 pandemic. *Journal of Psychology*, 13(1), 3-19.
- Brackett, M. A., Rivers, S. E., & Salovey, P. (2019). Can emotional intelligence be taught? *Social Psychology Review*, 5(2), 56-78.
- Estrada, M., García-Ramírez, M., & Delgado, R. (2021). Emotional intelligence and academic performance during COVID-19: The role of student engagement. *Frontiers in Psychology*, 12, 789-802.
- Fink, D. S. (2020). The role of social pressures and family instability in children's mental health. *Journal of Child and Family Studies*, 29(4), 601-615.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ*. New York: Bantam Books.
- Gross, J. J. (2013). Emotion regulation: Conceptual foundations. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation* (pp. 3-22). New York: Guilford Press.
- Jones, P., Smith, A., & Roberts, J. (2021). The impact of COVID-19 on mental health in children and adolescents: A review. *Pediatrics*, 148(6), 1142-1155.
- Mancini, A., Pulido-Martos, M., & Gil-López, C. (2022). The role of emotional intelligence in coping with stress during COVID-19: Implications for adolescent well-being. *International Journal of Psychology*, 57(3), 15-27.
- Mestre, J. M., Guil, R., Lopes, P. N., Salovey, P., & Gil-Olarte, P. (2017). Emotional intelligence and social and academic adaptation to school. *Spanish Journal of Psychology*, 20, E23.
- Pulido-Martos, M., Gil-López, C., & Sánchez-Álvarez, N. (2021). Emotional intelligence as a buffer in the relationship between perceived stress and psychological well-being in children. *Journal of Positive Psychology*, 11(3), 276-285.
- Sánchez-Álvarez, N., Extremera, N., & Fernández-Berrocal, P. (2016). The relation between emotional intelligence and subjective well-being: A meta-analytic investigation. *Journal of Positive Psychology*, 11(3), 276-285.
- World Health Organization (WHO). (2021). *Mental health of children and adolescents: Facts and figures*. Retrieved from https://www.who.int/mental_health/children/en/



- Zeidner, M., Matthews, G., & Roberts, R. D. (2012). Emotional intelligence, health, and adaptation: A review of findings and theoretical issues. *Annual Review of Psychology*, 63, 679-704.



The Impact of Emotional Intelligence Components on Managing Psychological Crises in Children and Adolescents: A Review

Parvaneh Mahmoudpour

Ph.D. candidate in General Psychology, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran

Seyedeh Maryam Mousavi

Assistant Professor, Department of Nursing and Midwifery, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran

Abstract

Emotional intelligence, the ability to recognize and manage one's own emotions and the emotions of others, plays a crucial role in coping with psychological crises. This article examines the impact of emotional intelligence components on managing psychological crises in children and adolescents. The components of emotional intelligence, including self-awareness, self-regulation, motivation, empathy, and social skills, can help reduce anxiety, stress, and depression in this age group. Research shows that children with higher levels of emotional intelligence are better equipped to face psychological challenges and come up with constructive solutions. This article reviews various studies on this topic and provides recommendations for enhancing emotional intelligence in educational settings.

Keywords: Emotional intelligence, crisis management, children, adolescents, mental health.